

نقش سیاست خارجی در توسعه ملی ایران «همی تا برآید به تدبیر کار مدارای دشمن به از کارزار»

سعیدی

همت ایمانی*

دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی و پژوهشگر مسائل توسعه

چکیده

در دنیای جهانی شده، توسعه و افزایش قدرت و ثروت همواره دغدغه اصلی دولت‌هایی محسوب می‌شود که براساس آرا مردم شکل گرفته‌اند. رهبران این کشورها به‌خوبی به این مسئله واقف هستند که بی‌توجهی به امر توسعه و مؤلفه‌های آن می‌تواند در آینده خطرات جدی بر امنیت ملی آن‌ها داشته باشد. هم‌چنین آن‌ها می‌دانند که افزایش قدرت دیگر کشورها به‌خصوص همسایگان (چنان‌چه نتوانند پایه‌پای آن توسعه پیدا کنند) به‌نوعی تهدیدی برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود. براساس تجارب جهانی بدون ارتباط با دنیا، توسعه و افزایش قدرت و ثروت ملی امکان‌پذیر نیست. این مسئله مفروض پژوهش حاضر می‌باشد. بر این اساس، هدف این پژوهش این است که نقش سیاست خارجی را در توسعه ملی ایران بررسی کند. در این راستا، سؤالی که مطرح می‌شود این است که سیاست خارجی چه نقشی می‌تواند در پیشبرد توسعه ملی ایران داشته باشد و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا چیست؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که سیاست خارجی ایران در پیشبرد توسعه ملی و افزایش قدرت و ثروت کشور نقش کلیدی دارد و بدون در پیش گرفتن رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی و ارتباط نزدیک با کشورهای پیشرفته، توسعه در ایران اتفاق نمی‌افتد. اتخاذ سیاست خارجی توسعه‌گرا هم نیازمند به‌کارگیری سیاست‌ها و راهبردهایی است که در این پژوهش به‌برخی از مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود.

کلید واژه‌ها

سیاست خارجی توسعه‌گرا، دیپلماسی اقتصادی، منافع ملی، سرمایه‌گذاری خارجی، تنش‌زدایی.

* Email: Hemmat.Imani@gmail.com.

1. مقدمه

هدف این پژوهش بررسی نقش سیاست خارجی در توسعه و پیشرفت ایران در عصر جهانی شده است. نگارنده به عمد از واژه عصر جهانی شده استفاده می‌کند؛ چرا که بر این باور است که دیگر فرآیند جهانی شدن در مرحله اولیه و میانی خود نیست و باید گفت که با توجه به تحولات اخیر، بهتر است که مفهوم «عصر جهانی شده» را جایگزین «عصر جهانی شدن» کنیم. این باور مفروض پژوهش حاضر می‌باشد. بر این اساس، امروزه بدون ارتباط منسجم با دنیا و همکاری در تولید محصولات متنوع و افزایش ثروت، نمی‌توان به پیشرفت کشور و افزایش قدرت آن امید بست. تقویت ارتباطات بین‌المللی مستلزم برخورداری از یک برنامه بلندمدت در سیاست خارجی است که با توجه به تحولات روز جهانی و منطقه‌ای طراحی شده باشد. مسئله‌ی پژوهش این است که سیاست خارجی چه نقشی می‌تواند در پیشبرد توسعه ملی ایران داشته باشد و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا چیست؟ باید گفت که سیاست خارجی ایران در پیشبرد توسعه ملی و افزایش قدرت و ثروت کشور نقش کلیدی دارد و بدون در پیش گرفتن رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی و ارتباط نزدیک با کشورهای پیشرفته، توسعه در ایران اتفاق نمی‌افتد. اتخاذ سیاست خارجی توسعه‌گرا هم نیازمند به‌کارگیری سیاست‌ها و راهبردهایی است که در این پژوهش به برخی از مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود.

پژوهش‌ها و تحقیقاتی که تا به حال در خصوص توسعه قدرت ملی ایران به‌نگارش در آمده، بیشتر با رویکرد سنتی به مسئله قدرت پرداخته‌اند. در حالی که در پژوهش حاضر علاوه بر توجه بر ابعاد سنتی قدرت، تمرکز اصلی بر ابعاد نوین قدرت می‌باشد که در عصر جهانی شده و قرن 21 برای ایران سرنوشت‌ساز خواهند بود. بنابراین، امروزه پژوهش در خصوص شناخت ساختارهای جدید قدرت در نظام بین‌الملل و چگونگی استفاده از آن‌ها در توسعه قدرت ملی ایران، امری ضروری است. باید گفت که مؤلفه‌های جدید قدرت ملی از جمله علم، فناوری، اطلاعات، پرستیژ، جریان‌های مالی و سرمایه و... که از آن‌ها به‌عنوان قدرت نرم یاد می‌شود، نیازمند توجه ویژه است و نادیده گرفتن این مؤلفه‌ها و ساختارهای جدید قدرت، منافع ملی، بقا و امنیت ملی ایران را به‌خطر می‌اندازد.

2. نسبت توسعه و سیاست خارجی؛ چند نمونه موفق

امروزه دولت-ملت‌ها در مسیر کسب منافع اقتصادی در عرصه بین‌المللی رقابت سرسختانه‌ای دارند و برخی اوقات همکاری با دیگر دولت‌ها را به‌منظور شکل دادن به نهادهای تنظیمی در راستای اهداف مورد علاقه‌شان پیگیری می‌کنند. آن‌ها همچنین در جذب سرمایه‌گذاری خارجی با یکدیگر رقابت می‌کنند و دولت‌های دیگر را تحت فشار قرار می‌دهند تا به بازارهای آن‌ها در جهت منافع شرکت‌های ملی خود دسترسی داشته باشند. همچنین دولت‌ها در تلاش‌اند تا از تولید داخلی خود از طریق تعرفه‌های گمرکی (به‌صورت آشکار و پنهان) حمایت کنند. از طرفی دیگر، این کشورها با تنظیم قواعد و استانداردهایی در قالب نهادهای بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی¹ و اتحادیه ارتباطات بین‌المللی،² یا در زمینه توافقنامه اقتصادی منطقه‌ای مانند NAFTA³ همکاری بین‌المللی خود را عمق می‌بخشند (Sander & Yiu, 2001: 2).

علاوه بر این، یکی از مسائل بسیار مهم در مسیر افزایش قدرت و ثروت هر کشوری در دنیای جهانی شده، میزان دموکراتیک بودن نظام سیاسی آن کشور است. وجود نظام سیاسی دموکراتیک، فضای باز سیاسی، حکومت قانون، قوانین

1- World Trade Organization.

2- International Telecommunications Union.

3- North Atlantic Free Trade Agreement.

شفاف برای کسب و کار اقتصادی، بخش خصوصی قوی، استقلال قوه قضائیه، برخورداری از رسانه‌های مستقل و آزاد و... باعث تسهیل روند توسعه کشور می‌شود. کشورهای دموکراتیک که شاخص‌های ذکر شده را در خود نهادینه کرده‌اند، در مسیر توسعه و همگرایی با اقتصاد جهانی و افزایش قدرت خود محدودیت کمتری در سطح بین‌المللی دارند؛ ضمن این که به امکانات بین‌المللی هم به راحتی دسترسی پیدا می‌کنند. امروزه جریان‌های مالی جهانی به بخش‌هایی از جهان سوق پیدا می‌کنند که محیط کسب و کار اقتصادی در آن‌جا مناسب باشد و منطقه به لحاظ امنیتی از ثبات لازم برخوردار باشد. در این خصوص می‌توان وضعیت خاورمیانه را با آسیای جنوب شرقی مقایسه کرد. امروزه نهادهای بین‌المللی هم به شاخصه‌های دموکراتیک دولت‌ها توجه بیشتری دارند. برای مثال عناصر اساسی دموکراسی که در سال 2004 توسط مجمع عمومی تصویب شده، عبارت‌اند از: تفکیک و توازن قوا، استقلال قوه قضائیه، سیستم تکررگرایی احزاب سیاسی و سازمان‌ها، احترام به حاکمیت قانون، مسئولیت و شفافیت، آزادی، استقلال و تکرر رسانه‌ها، احترام به حقوق انسانی و سیاسی از جمله آزادی تجمع، آزادی بیان، حق رأی، انتخابات آزاد و... (Salehzadeh, 2013: 2)

در اینجا به ذکر چند نمونه از کشورهای جهان سوم می‌پردازیم که با در پیش گرفتن رویکرد توسعه‌محور توانسته‌اند جایگاه خود را در عرصه جهانی ارتقا دهند.

2-1. کره جنوبی

در سند چشم‌انداز کره در افق 2030، «رشد همه جانبه» به عنوان پارادایم نوین توسعه کره جنوبی معرفی شده است که در نهایت به یک کشور امیدوار و صنعتی مدرن تبدیل خواهد شد. کره جنوبی از دهه 1960 به سمت رشد اقتصادی و توسعه صادرات حرکت کرد. در این دهه افزایش تولید، ایجاد اشتغال و صادرات جهت‌گیری اصلی این کشور بوده است. در دهه 1970 این کشور با تحت تأثیر قرار گرفتن از توسعه شرکت‌های فراملی، حمایت از کمپانی‌های بزرگ را در دستور کار خود قرار داد و از این طریق، درصدد دستیابی به توسعه اقتصاد داخلی و به منظور رقابت با شرکت‌های چندملیتی برآمد. در دهه 1980 ساختار صنعت خود را تقویت کرد و برای این منظور، توسعه فناوری را برای تغییر در شرایط اقتصادی خود مورد توجه قرار داد. هم‌چنین از دهه 1980 تاکنون، درصدد بوده که خود را به عنوان رهبر نوآور و پیشگام در جهان معرفی کند.

در این راستا، کره جنوبی دست به انجام اصلاحات اساسی زد. آزادسازی اقتصادی را در دستور کار خود قرار داد. مناطق آزاد تجاری برای جذب سرمایه‌های خارجی و جذب فناوری خارجی ایجاد کرد و سیاست‌های خود را برای دستیابی به این اهداف، اصلاح کرد. اجماع در برنامه‌های توسعه ملی به لحاظ مفاهیم و راهبردها و اجرا و هدایت مؤثر دولت در اقتصاد و تعدیل مجدد ساختار بنگاه‌های خصوصی موجب شد تا رشد اقتصادی بالا در این کشور شکل گیرد و به یمن در پیش گرفتن سیاست خارجی توسعه‌گرا، صادرات آن به سوی بازارهای جهانی توسعه یابد. مهم‌ترین جهت‌گیری که در برنامه‌های توسعه کره جنوبی مورد توجه بوده، به شرح زیر است:

- ارتقای نوآوری‌های فناورانه به وسیله گسترش آموزش و پرورش¹، که در این ارتباط دانش و فناوری عامل کلیدی توسعه اقتصادی به‌شمار آمده و سرمایه انسانی و حمایت‌گسترده دولت از آموزش نیروی انسانی فنی و توانمند، مورد توجه قرار گرفته است،
- جذب سرمایه خارجی و بهره‌برداری عاقلانه از آن با در پیش گرفتن رویکردی توسعه‌محور در سیاست خارجی

- ارتقای بهره‌وری عوامل تولید،
- گسترش همکاری‌های فناوری با کشورهای پیشرفته،
- صنعتی‌سازی و راه‌اندازی صنایع هدف، که ابتدا با هدف جایگزینی واردات شروع شده و سپس با توسعه صادرات و در نهایت با گسترش صنایع پیشرفته با فناوری بالا (مانند Bright Industry و نیمه هادی‌ها و موبایل)، ادامه پیدا کرد،
- تمرکز بر کاهش نابرابری درآمد و افزایش هزینه‌های عمومی برای برنامه‌های اجتماعی نظیر آموزش و بهداشت،
- تطبیق انعطاف‌پذیر وضعیت اقتصاد داخلی با شرایط اقتصاد جهانی،
- اعتماد بیشتر به بازار و آزادسازی اقتصادی،
- توسعه اقتصادی مبتنی بر صادرات،

مجموعه فوق نشان می‌دهد که در کشور کره جنوبی، اولاً کلید توسعه ملی، درک و شناخت ساختارهای جدید قدرت در نظام بین‌الملل و در پیش گرفتن رویکرد توسعه‌گرا در سیاست خارجی بوده است؛ دوم این‌که رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه دومین عامل مهم در توسعه قدرت ملی این کشور می‌باشد و هسته اصلی راهبردهای اتخاذ شده صنعتی‌سازی، بهبود صادرات و جذب سرمایه‌های خارجی بوده است که این عامل نیز تحت تأثیر عامل اول یعنی در پیش گرفتن رویکرد توسعه‌گرایانه در سیاست خارجی با هدف قدرتمندی هرچه بیشتر بوده است و سوم این‌که، این راهبردها نشان می‌دهد که اهداف توسعه کره جنوبی، گسترده و متنوع نبوده است. به عبارت دیگر، مراحل توسعه و برنامه‌های توسعه را با اهداف مشخصی پی‌گیری کرده و موفق شده‌اند، به طوری که شاهد آن هستیم (Park, 2011).

2-2. مالزی

کشور مالزی نیز در راستای دستیابی به توسعه ملی رویکردی را در پیش گرفته که امروزه موجب بهبودی جایگاه این کشور در نظام بین‌الملل شده است. در سند توسعه مالزی، هدف نهایی در سال 2020، کشوری «به‌طور کامل توسعه‌یافته» است. هدف غایی این سند، توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. هم‌چنین در این سند تأکید شده است که باید هر ده سال یکبار تولید ناخالص داخلی دو برابر شده و متوسط رشد اقتصادی سالانه 7 درصد باشد. به علاوه، در کنار رشد اقتصادی بالا و پایدار، به کنترل تورم، تضمین پایداری و توسعه کیفیت زندگی نیز توجه خواهد شد. برای این منظور، کشور مالزی علاوه بر راهبردهای عمومی، راهبردهایی برای کاهش فقر در برنامه‌های توسعه نیز در نظر گرفته است (Economic Planning Unit Malaysia, 2006).

به‌طور کلی تأکید بر اقتصاد آزاد و به تبع آن در پیش گرفتن رویکرد توسعه‌گرایانه در سیاست داخلی و خارجی، توسعه قدرت ملی مالزی و همگرایی این کشور در اقتصاد جهانی را به دنبال داشت. سیاست‌های مربوط به تجارت آزاد و صنعتی‌سازی با جهت‌گیری صادرات و مبتنی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به توسعه اقتصادی سریع این کشور کمک کرد؛ بدون توجه به این‌که کوچکی بازار داخلی، کمیابی سرمایه و کمبودهای فناوری، محدودیت ایجاد کرده باشند. مدرنیزه کردن اقتصاد، تنوع‌بخشی به ساختار تولید، ایجاد اشتغال، انتقال فناوری، پراکندگی و گسترش صنعتی و جهت‌گیری صادراتی بخش صنایع کارخانه‌ای از مهم‌ترین اهداف سیاستی این کشور بوده است. در کل، مهم‌ترین راهبردهای برنامه‌های توسعه‌ی مالزی به شرح زیر است (Mohamed Ariff, 1998):

- اتخاذ رویکرد اقتصادی و توسعه‌محور در سیاست خارجی،
- تلاش برای جذب علم، فناوری و سرمایه‌های خارجی،

- رشد اقتصادی برون نگر،
- ترویج فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی برای تنوع بخشیدن به تولید و ایجاد اشتغال،
- توجه به سیاست توسعه صادرات،
- صنعتی‌سازی با جهت‌گیری صادراتی و گسترش صنایع مبتنی بر منابع (نفت و گاز در مراحل اولیه)،
- آموزش و پرورش برای ارتقای نیروی انسانی ماهر،
- ارتقای بهره‌وری،
- گسترش پایه‌های صنعتی و مدرنیزه در بخش خدمات،
- حذف محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خصوصی و مشارکت خارجی در اقتصاد،
- گسترش تحقیق و توسعه در صنایع با فناوری بالا،
- ارتقای رقابت‌پذیری با بروز کردن فناوری،
- رشد اقتصادی بهره‌ور محور از طریق صنایع دانش‌بنیان و مبتنی بر فناوری (به‌جای کاربر و سرمایه‌بر).

3-2. ترکیه

ترکیه برای دستیابی به اهداف توسعه‌ای، سند چشم‌اندازی را که مقارن با یکصدمین سال تأسیس جمهوری ترکیه می‌باشد، در افق 2023 تدوین کرده و اجرا می‌کند. چشم‌انداز ترکیه در سال 2023 میلادی، این کشور را به‌صورت «یکی از ده اقتصاد برتر جهان، دارای تولید ناخالص داخلی حدود 2 هزار میلیارد دلار و صادرات 500 میلیارد دلاری، دارای نرخ تورم و نرخ بهره‌ی تکریمی و دارای جمعیت 82 میلیونی»، معرفی کرده است. در سال‌های اخیر، نخبگان جدید ترکیه رویکرد اقتصادی را در اولویت برنامه‌های سیاست خارجی خود قرار داده‌اند و در نتیجه آن، این کشور پیشرفت قابل توجهی در توسعه اقتصادی و اجتماعی و همگرایی با جهان به‌دست آورد. برای مثال، ترکیه بیست‌ودومین اقتصاد برتر جهان با درآمد ملی 206 میلیارد دلار در سال 1998 بود که این رقم در سال 2010 به حدود 774 میلیارد دلار رسید. ضمن این‌که تورم نیز یک‌رقمی شده و به 6/5 درصد در سال 2011 کاهش یافته است (world Economic outlook Database, 2012). در حال حاضر، این کشور پانزدهمین قدرت اقتصادی جهانی می‌باشد.

در پیش گرفتن رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی و شناخت قواعد بازی در نظام بین‌الملل، تلاش برای ادغام در اقتصاد جهانی، جذب سرمایه‌های شرکت‌های چندملیتی، نامزدی برای عضویت کامل در اتحادیه اروپا از یک‌طرف و میراث فرهنگی، جمعیت جوان و پویا، آگاهی توسعه ملی، مهارت‌های کارآفرینی، ساختار صنعتی مساعد رقابت در عرصه بین‌المللی، پتانسیل منطقه‌ای فعال (توسط پروژه جنوب شرقی آناتولی)، شبکه‌های حمل‌ونقل بین قاره‌ای، منابع طبیعی و تاریخ و منابع گردشگری از طرف دیگر، زمینه ارتقای قدرت ملی هرچه بیشتر ترکیه را فراهم آورده است. در سند چشم‌انداز و در برنامه‌های توسعه‌ی ترکیه، راهبردهای زیر به‌عنوان محور توسعه، برای تحقق بخشیدن به اهداف برنامه‌های توسعه‌ی ترکیه مشخص شده است: (9th Development plan, 2007-2013):

- در پیش گرفتن رویکرد چندجانبه و فعال در سیاست خارجی با هدف استفاده از همه ظرفیت‌های تمدنی ترکیه در دستیابی به منافع ملی. در این راستا سیاست‌هایی چون مشکلات صفر با همسایگان و دکترین عمق استراتژیک به کار گرفته شد.
- تعامل با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی با هدف ایفای نقشی فعال در معادلات جهانی.
- جذب تکنولوژی و سرمایه‌های خارجی و حمایت از سرمایه‌گذاری در ترکیه.

- تلاش برای تقویت صلح و امنیت در منطقه و جهان، به‌خصوص محیط پیرامونی ترکیه؛ توسعه قدرت ملی و رشد اقتصادی ترکیه در سایه یک محیط باثبات محقق خواهد شد.
 - رقابت‌پذیر کردن اقتصاد؛ ثبات اقتصاد کلان با افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد و در رسیدن به رشد اقتصادی مستمر و بالا، حفظ خواهد شد. در این حوزه، بهبود محیط کسب‌وکار، کاهش فعالیت‌های غیررسمی در اقتصاد، ارتقای سیستم مالی، بهبود تحقیق و توسعه و نوآوری، نشر و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، انتقال به ساختار تولید با ارزش افزوده بالا، ارتقای کارایی در ساختار کشاورزی و حفاظت از محیط زیست و بهبود زیربنای شهری مورد تأکید است.
 - رونق توریسم به‌عنوان یکی از ظرفیت‌های مهم ترکیه که در توسعه قدرت نرم این کشور در عرصه جهانی نقش اساسی دارد.
 - توسعه اشتغال؛ بهبود بازار کار به‌لحاظ انعطاف‌پذیری و محدودیت، افزایش حساسیت تقاضای نیروی کار به تحصیلات و آموزش و توسعه سیاست‌های فعال بازار کار، در راستای ایجاد اشتغال، به‌کار گرفته می‌شود.
 - تقویت توسعه انسانی و همبستگی اجتماعی؛ در این حوزه، ارتقای سیستم آموزشی، ایجاد سیستم بهداشتی مؤثر، بهبود توزیع درآمد، مبارزه علیه فقر، حفظ و بهبود فرهنگ و تقویت گفت‌وگوی اجتماعی و افزایش اثربخشی نظام تأمین اجتماعی، مورد توجه است.
 - توسعه منطقه‌ای؛ به‌کار گرفتن سیاست‌های توسعه منطقه‌ای در سطوح مرکزی، افزایش ظرفیت‌های نهادی در سطح محلی، اطمینان از توسعه در نواحی روستایی و ارتقای سیاست‌گذاری و ظرفیت پیاده‌سازی از جمله مواردی است که برای توسعه منطقه‌ای به‌کار گرفته شده است.
 - افزایش کیفیت و اثربخشی در بخش عمومی؛ منطقی کردن قدرت و مسئولیت‌ها بین نهادها، توسعه منابع انسانی در بخش عمومی، اطمینان از اشاعه و اثربخشی کاربردهای دولت الکترونیک، امنیت عمومی در رابطه با حقوق بشر و آزادی‌های آن، اطمینان از زندگی و امنیت شغلی، بهبود سیستم قضایی از عوامل ارتقای خدمات بخش عمومی و دولت است.
- به‌طور کلی، برنامه‌ها، عملکردها و تجارب سه کشور کره جنوبی، مالزی و ترکیه، نشان دهنده این واقعیت است که این کشورها در دستیابی به علم، فناوری، ثروت و قدرت رقابت سرسختانه‌ای با دیگر کشورها به‌خصوص همسایگان خود دارند و نخبگان حاکم در این کشورها به‌خوبی می‌دانند که در عصر جهانی شده مؤلفه‌های قدرت متفاوت از گذشته است و دیگر به‌صرف برخوردار بودن از ابزار قدرت نظامی، امنیت ملی و منافع ملی کشورها در نظام بین‌الملل تأمین نخواهد شد. امروزه، از دیدگاه صاحب‌نظران توسعه در ابتدای ورود به قرن 21 درک و شناخت ابعاد جدید قدرت ساختاری در نظام بین‌الملل و تعریف جدید از قدرت ملی، لازمه پیشرفت و توسعه هر واحد سیاسی است. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای دستیابی به ساختارهای جدید قدرت در نظام بین‌الملل که لازمه توسعه قدرت ملی ایران است، باید هم در برنامه‌های توسعه و هم سیاست‌گذاری‌های خارجی الزاماتی را مورد توجه قرار دهد.

3. سیاست خارجی ایران؛ رویکرد اقتصادی کلید دستیابی به توسعه ملی

با توجه به تحول مفهوم امنیت ملی بعد از جنگ سرد، باید گفت که سیاست خارجی کشورها نیز به‌تبع آن دچار تحول جدی شده است. در دوره جنگ سرد عمده دغدغه‌های دولت‌ملت‌ها در نظام بین‌الملل دستیابی به امنیت ملی آن‌ها به‌معنای سخت‌افزاری بود. در این راستا با ایجاد اتحاد و ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به‌دنبال توسعه قدرت نظامی و

در نهایت حفظ تمامیت ارضی و امنیت ملی خود بودند، اما بعد از جنگ سرد، دیگر امنیت ملی یک کشور در فاکتورهای سخت‌افزاری و نظامی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه امروزه مؤلفه‌های اقتصادی، علمی، سیاسی، فرهنگی - اجتماعی، انسانی و... در بحث امنیت ملی به‌شدت تأثیرگذار هستند. چه‌بسا که اهمیت این مؤلفه‌ها بیشتر از مؤلفه‌های نظامی شده است. بر این اساس رویکرد سیاست خارجی دولت ملت‌ها با هدف دستیابی به امنیت ملی و قدرت ملی دچار تغییرات اساسی شده است (همان‌طور که در نمونه‌های فوق ذکر شد). امروزه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه موفق در سیاست خارجی رویکرد اقتصادی را محور برنامه‌ریزی خود قرار داده‌اند و در این راستا از ظرفیت دیپلماسی خود حداکثر استفاده را می‌برند. «حتی در کشورهای توسعه یافته بازیگران غیردولتی نقش جدی در تنظیم سیاست خارجی دارند» (Sander & Yiu, 2001: p 3).

در خصوص سیاست خارجی ایران باید گفت که بعد از انقلاب 1357، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با چرخش جدی مواجه شد؛ به طوری که می‌توان رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را متأثر از تحولات انقلاب اسلامی بیشتر ایدئولوژیکی - امنیتی نامید. برخی از مهم‌ترین اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از: صدور انقلاب، نفی سلطه، حمایت از وحدت جهان اسلام، احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی دیگران، نفی ظلم و حمایت از مظلوم، سیاست نه شرقی و نه غربی، حمایت از جنبش‌های آزادی‌خواه، اتحاد جهان اسلام، روابط بر اساس اسلام و اصول انسانی (Salehzadeh, 2013: P 19). هر چند که رویکردهای مختلفی در سیاست خارجی ایران توسط دولت‌هایی که در جمهوری اسلامی ایران بر سر کار آمده‌اند، در پیش گرفته شد اما می‌توان گفت که اصول اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران زمینه به‌وجود آمدن تغییرات جدی در روابط خارجی را فراهم نکرد و رویکرد ایدئولوژیکی - امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران استمرار پیدا کرد. از جمله رویکردهایی که از اول انقلاب 57 تا کنون در سیاست خارجی ایران در پیش گرفته شده عبارت است از: رویکرد لیبرال دولت موقت، رویکرد آرمان‌گرا، رویکرد عملگرایی دوره بعد از جنگ، رویکرد تنش‌زدای دوره اصلاحات، اصول‌گرایی دوره دلت‌های نهم و دهم، رویکرد تعامل سازنده دولت یازدهم.

در عصر جهانی شده، سیاست خارجی یک کشور همواره باید در خدمت توسعه ملی باشد. بنابراین سیاست خارجی باید از طرفی زمینه دفع موانع بین‌المللی توسعه کشور و از طرف دیگر زمینه جذب منابع بین‌المللی برای توسعه و قدرتمندی کشور را فراهم کند. سیاست خارجی ایران، در دوره اصلاحات اندکی به این مسیر نزدیک شد. در سایه آن روابط اقتصادی - سیاسی ایران با اروپا رو به بهبودی رفت؛ اما با روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد جهت‌گیری سیاست خارجی ایران به‌شدت ایدئولوژیکی - امنیتی شد و به‌تبع آن ایران در نظام بین‌الملل منزوی گشت. امروزه بعد از روی کار آمدن دولت تدبیر و امید، مسیری که در دوره اصلاحات در سیاست خارجی طی می‌شد، مجدداً در پیش گرفته شد که یکی از دستاوردهای آن را می‌توان حل بحران هسته‌ای ایران دانست. در واقع باید گفت که بحران هسته‌ای بزرگ‌ترین چالش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بود که با رویکرد تعامل سازنده حسن روحانی حل‌وفصل شد. روحانی (بر خلاف اصول‌گرایان از جمله احمدی‌نژاد) بر این باور است که کلید بسط دادن نقش ایران در منطقه، تقویت قدرت اقتصادی ایران است. احمدی‌نژاد اقتصاد را به‌طور کلی یک موضوع کاملاً داخلی می‌دانست؛ در حالی که روحانی بر این عقیده است که اقتصاد نقش مهمی در توسعه داخلی و همچنین افزایش نفوذ ایران در منطقه و جهان دارد. روحانی به این درک رسیده است که قدرت اقتصادی جزو جدایی‌ناپذیر قدرت ملی است؛ به این خاطر است که کابینه او بیشتر در برگیرنده تکنوکرات‌ها است. بعد از روی کار آمدن حسن روحانی و در سایه مدیریت شایسته اقتصادی وی، اقداماتی چون تثبیت

نرخ ارز، کاهش تورم، بازگرداندن اعتماد به کسب و کار و تجارت، جذب سرمایه‌گذاری خارجی در دولت او به نتیجه رسید. حسن روحانی این مسئله را درک کرده است که حل مسئله هسته‌ای برای تقویت اقتصاد ایران و پایان انزوای بین‌المللی ایران حیاتی است. این مسئله به این معنی نیست که دولت روحانی از برنامه هسته‌ای ایران حمایت نمی‌کند؛ بلکه روحانی بر این باور است که مسئله هسته‌ای باعث می‌شود که مخالفان ایران از آن برای فشار، تحریم و انزوای ایران استفاده کنند. دولت روحانی بر این باور هست که می‌توان با یک توافق عملی، هم حق هسته‌ای ایران را حفظ کرد و هم مانع بودن این مسئله در مسیر اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را زدود (Shanahan, 2015: 2-4).

به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران، برای عبور از مشکلات فعلی و دستیابی به توسعه ملی، رفاه عمومی، کاهش فقر، ایجاد اشتغال و تقویت تولید چاره‌ای جز تعامل با کشورهای توسعه یافته و همگرایی در اقتصاد جهانی ندارند. در این راستا اقتصاددان سرشناس ایرانی، دکتر محسن رنانی بر این باور است که «امروز سه مسأله بحرانی و خطرناک، شامل رکود، بحران آب و فساد در کشور وجود دارد که اگر به سرعت برای حل آن‌ها قیام نکنیم، کل ساختار سیاسی را در هم می‌ریزد. این‌ها دشمنان اصلی جامعه ما هستند که به گمان من مسأله بحران رکود از دو بحران دیگر خطرناک‌تر و عاجل‌تر است». هم‌چنین ایشان می‌افزاید «در سال 87 تعداد کارگاه‌های تولیدی 17 هزار واحد بوده در حالی که در سال 92 این رقم به 14 هزار واحد رسیده است. نکته جالب اینجاست که این رکود زمانی اتفاق افتاده که ما بالاترین درآمدهای نفتی و ارزی را داشته‌ایم» (رنانی، 1395).

4- الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا

توسعه ملی ایران نیازمند در پیش گرفتن رویکرد اقتصادی و به تبع آن سیاست‌ها و راهبردهای ویژه‌ای در سیاست خارجی ایران است. در زیر به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد.

1-4. حفظ یکپارچگی، حاکمیت و تمامیت ارضی کشور

حفظ یکپارچگی، حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال، اساسی‌ترین اولویت سیاست خارجی هر کشوری محسوب می‌شود و رسیدن به این هدف پیش‌شرط‌های خاص خود را می‌طلبد که تحت تأثیر تحولات نظام بین‌المللی می‌باشد. در دوره جنگ سرد، کشورها در راستای تأمین امنیت ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور به دنبال افزایش قدرت نظامی خود بودند و در ارزیابی قدرت ملی و امنیت ملی، فاکتورهای سخت‌افزاری از جمله تعداد موشک‌ها، تانک‌ها، هواپیماها، جنگنده‌ها، نفربرها، سربازها و... معیار بود؛ اما امروزه با تحولات ناشی از فرآیند جهانی شدن (در عرصه سیاست، اقتصاد، فرهنگ، ارتباطات و تکنولوژی و...) در ارزیابی قدرت ملی و امنیت ملی و حفظ یکپارچگی، حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال، علاوه بر معیارهای سخت‌افزاری، فاکتورهای نرم‌افزاری، از جمله نرخ رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی، ظرفیت تولید، حجم تجارت و صادرات، سطح علمی و فناوری، آموزش، سلامت و... هم در نظر گرفته می‌شود. چه بسا که امروزه اهمیت مؤلفه‌های اقتصادی و تکنولوژیک در ارزیابی قدرت ملی به مراتب مهم‌تر از مؤلفه‌های نظامی می‌باشد.

در ایران، هنوز برآورد قدرت ملی کشور و ارزیابی امنیت ملی بیشتر با مؤلفه‌های سخت‌افزاری سنجیده می‌شود. هنوز نقش اقتصاد در ارزیابی قدرت ملی چندان حائز اهمیت نیست. محمود سریع‌القلم، متخصص توسعه، در این زمینه بر این باور است که «مفهوم قدرت در سیاست خارجی ایران، بیشتر یک امر تصویری است تا آماری» (سریع‌القلم، 1390: 64). بنابراین ارزیابی قدرت ملی، حفظ حاکمیت ملی و تمامیت ارضی باید با در نظر گرفتن همه مؤلفه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و با تکیه بر اطلاعات دقیق علمی انجام شود. با توجه به تحول مفاهیم امنیت ملی و قدرت ملی، در پیش گرفتن دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی می‌تواند مشکلات ایران را در زمینه اقتصادی، علمی، امنیتی، حفظ تمامیت

ارضی و... مرتفع کند. حتی با توجه به تحول مفهوم «استقلال» نیز می‌توان گفت که کشوری مستقل است که در نظام بین‌الملل وزن مؤثری داشته باشد. داشتن استقلال و قدرت تأثیرگذاری در عرصه جهانی در صورتی امکان‌پذیر است که اقتصاد قدرتمندی داشته باشیم؛ اقتصادی که تولیدمحور باشد نه رانت‌محور. در نهایت باید گفت که امروزه حفظ امنیت ملی، تمامیت ارضی، حاکمیت و استقلال کشورها به‌شدت به میزان قدرت اقتصادی آن‌ها گره خورده است.

2-4. تقویت بخش خصوصی و زیرساخت‌های اقتصادی و آزادسازی اقتصادی

برخوردراری از بخش خصوصی قدرتمند و اقتصاد آزاد یکی از مؤلفه‌های اساسی قدرت ملی محسوب می‌شود. دستیابی به این هدف مهم تنها در صورتی امکان‌پذیر است که در عرصه سیاست خارجی، رویکرد توسعه‌ای و دیپلماسی اقتصادی در پیش گرفته شود؛ چرا که بر اساس تجارب جهانی، لازمه آزادسازی اقتصادی داشتن روابط مسالمت‌آمیز با دنیاست و این نوع رابطه با در پیش گرفتن رویکرد امنیتی - سیاسی در سیاست خارجی به‌دست نمی‌آید.

علاوه بر آن، به‌نظر می‌رسد بهترین راه‌هایی از رکود اقتصادی ایران، اصلاحات اقتصادی، توجه ویژه به نقش مردم و تقویت بخش خصوصی است. قدرت جامعه در دو عنصر نهفته است: اول تولید کالا، خدمات و ثروت و دوم، گستردگی شکل. اقتصاد یک کشور زمانی رشد می‌کند که شهروندان آن بیاموزند در حوزه‌های مختلف کار و فعالیت اقتصادی تخصص پیدا کرده و در تقسیم نیروی کار بکوشند. برای مثال با قدرتمند شدن بخش خصوصی ترکیه و عربستان، دولت و حاکمیت آن‌ها نیز قدرتمند شده و جایگاه مهم‌تری در رده‌بندی‌های جهان به‌دست می‌آورند. اگر قدرت به این معنا تفسیر شود، جهت‌گیری و تصمیم‌گیری سیاست خارجی نیز عناصری تسهیل‌کننده‌ی افزایش قدرت و ثروت مردم و کشور قلمداد خواهد شد. امروزه نگاه سنتی تسلط حکومت بر مردم جای خود را به مشارکت میان حاکمیت و مردم داده تا کشور قدرتمند و ثروتمند و با عزت شود. این تلقی جدید از قدرت، ساختاری متفاوت در سطح روابط بین‌المللی پدید آورده است و دولت‌ها را صرفاً به «نهادهای تسهیل‌کننده» تبدیل کرده است (سریع‌القلم، 1390: 55-54).

تقویت بخش خصوصی در پیشبرد دیپلماسی اقتصادی بسیار حیاتی است. دیپلماسی اقتصادی نیز می‌تواند زمینه آزادسازی اقتصادی در منطقه و جهان را فراهم آورد. «دیپلماسی اقتصادی به‌معنای تنظیم و پیشبرد سیاست‌های مرتبط با تولید، جابه‌جایی یا مبادله کالاها، خدمات، کار و سرمایه‌گذاری در دیگر کشورها است. یکی از ویژگی‌های بارز دیپلماسی اقتصادی، مشارکت بخش خصوصی در فرآیند سیاست‌گذاری است که با شناخت و آگاهی از بازار و در یک محیط اقتصادی جهانی جهت سرمایه‌گذاری و تجارت در راستای منافع ملی فعالیت می‌کند. پیوند و همکاری نزدیک میان دولت و بخش خصوصی خود یکی از ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌خواه است» (موتقی، 1387: 184). در این زمینه می‌توان گفت که چینی‌ها یک تجربه خیلی زنده هستند. آن‌ها بر این باورند که مبنای قدرت ملی، اقتصاد است. بر همین مبنای امروز 600 میلیارد دلار با آمریکا تجارت دارند. بنابراین، در ایران نیز باید بنگاه‌های اقتصادی از فرصت برداشته شدن تحریم‌ها نهایت استفاده را ببرند. حتی یک ارتباط خارجی برای آن‌ها می‌تواند کلیدی باشد (سریع‌القلم/ baharnews.ir).

می‌توان گفت که مسیر رونق اقتصاد ایران در تنوع‌پذیری صادرات و تأکید بر صادرات محصولات با مزیت‌های نسبی و رقابتی چون صنعت پتروشیمی، معدن و صنایع معدنی، صنایع غذایی، شوینده و جلوگیری از قاچاق کالا است. لازمه رونق اقتصادی ایران بازسازی و تقویت زیرساخت‌های اقتصادی کشور اعم از حمل‌ونقل جاده‌ای، هوایی، دریایی و... است. اخیراً رئیس کل سازمان توسعه تجارت ایران در خصوص وضعیت گمرک کشور گفته است که «چنان‌چه بندر عباس را با تایوان، مالزی و امارات مقایسه کنیم، بررسی‌ها نشان می‌دهد زمان انتظار برای یک کشتی در تایوان 9 دقیقه، در مالزی

18 دقیقه، در امارات 4 دقیقه و در بندرعباس هم 4 دقیقه است. در حالی که مدت زمان تخلیه و بارگیری در تایوان بالغ بر 5 ساعت، مالزی 3 ساعت، در جبل علی امارات 4 ساعت و در ایران 4 روز و 9 ساعت و 45 دقیقه است» (خبرگزاری مهر: 13 دی ماه 94). این وضعیت مناسب اهداف پیشرفت کشور نیست. در راستای توسعه و پیشرفت کشور باید وضعیت زیرساخت‌های اقتصادی کشور در حد استانداردهای جهانی باشد.

در خصوص آزادسازی اقتصادی باید گفت که این مسئله لازمه پیشرفت اقتصادی و قدرتمندی ایران است. دیپلماسی اقتصادی می‌تواند از طریق ارتباط با مراکز ثروت و قدرت در دنیا، زمینه آزادسازی اقتصادی را تسهیل کند. در راستای آزادسازی اقتصادی، عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی امری بسیار ضروری است. هم‌چنین اصولی مانند آزادسازی تجارت خارجی، آزادی واردات تمامی محصولات صنعتی و کشاورزی، لغو محدودیت بر واردات خدمات، حذف حقوق گمرکی بر واردات محصولات صنعتی و کشاورزی، آزادی صادرات تمامی تولیدات داخلی، آزادسازی نرخ کالاها و خدمات حذف یارانه‌های غیرمستقیم، آزادسازی نرخ بهره، آزادسازی نرخ ارز، لغو انحصارات دولتی و خصوصی، جریان آزاد اطلاعات، تخصیص بهینه منابع به‌وسیله بازار، جداسازی دو مفهوم اقتصاد و تأمین اجتماعی و ایجاد دولت ناظر به‌جای دولت عامل در عرصه سیاست و اقتصاد باید زمینه‌سازی شود و بستر آن در چارچوب آزادسازی اقتصادی، تعرفه‌زدایی و خصوصی‌سازی به‌وجود آید. نظارت کامل بر اجرای صحیح سیاست‌های ابلاغی اصل 44 با هدف تقویت بخش خصوصی در کشور در این راستا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. باید بخش خصوصی را در خدمت اقتصاد ملی تقویت و آن را از کمپادوری خارج کرد (خلیلی، 94: 15). در کل باید گفت یک دیپلماسی اقتصادی قوی بایسته‌ی وجود گروهی مناسب و شایسته و همکاری نخبگان صنعتی و تجاری از بخش خصوصی و نیز هماهنگی وزارتخانه‌های امور خارجه، صنایع و بازرگانی و اقتصاد و دارایی می‌باشد (موتقی، 1387: 210).

3-4. دستیابی علم و تکنولوژی

دستیابی به آخرین دستاوردهای علم و تکنولوژی نیز یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی توسعه‌گراست. پیشرفت‌های علمی باید ثروت‌زا باشد. امروزه کشورهای پیشرفته بر روی علمی سرمایه‌گذاری می‌کنند که باعث ثروت تولید شود. از آنجایی که ایران در زمینه علم و تکنولوژی فاصله زیادی با کشورهای توسعه یافته دارد، می‌توان از طریق دیپلماسی اقتصادی، علمی و جذب تکنولوژی‌های پیشرفته این شکاف را کم کرد. هم‌چنین می‌توان از این طریق برای دستاوردهای علمی و فناوری کشور در جهان سوم بازار مصرف پیدا کرد. «پیشرفت‌های علمی و فناوری ایران می‌تواند به منبعی برای الهام‌بخشی نه‌تنها در جهان اسلام، بلکه در جهان سوم تبدیل گردد. دیپلماسی علم و فناوری می‌تواند حرکت‌های بسیار مهمی در تبدیل شدن ایران به مرجعیت علمی و فناوری در جهان اسلام انجام دهد» (موسوی موحدی، 1391: 75). ذکر این نکته لازم است که در پیش گرفتن دیپلماسی اقتصادی نیز مستلزم در اختیار داشتن تکنولوژی‌های مدرن و جدید برای انجام فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری است. ایران علاوه بر این که در ایجاد تکنولوژی بومی توفیق کمی داشته است، در بحث انتقال تکنولوژی نیز از مشکلات زیادی رنج برده است. شاید یکی از اصلی‌ترین عوامل عدم توفیق در انتقال تکنولوژی این بوده است که اقتصاد و نگاه‌های تولیدی ما در عرصه جهانی حضور بسیار ضعیفی دارند. در دنیای جهانی شده، فناوری به عنصر مهمی برای رقابت و شکوفایی شرکت‌ها تبدیل شده است. رکن آمادگی تکنولوژیک بیانگر میزان چابکی اقتصادها در جذب فناوری‌های موجود به‌منظور ارتقای بهره‌وری صنایع خود است (دهقانی فیروزآبادی؛ صالحی، 91: 107). اهمیت علم و فناوری از آنجا مهم است که بر اساس تجارب بشری در اختیار گرفتن علم و فن‌آوری، تولیدکنندگان را قدرتمند و سپس جامعه را قدرتمند کرده است (سریع‌القلم، 1390: 54). باید گفت توسعه

علمی، مهم‌ترین بعد توسعه است و پایه‌ای برای سایر ابعاد توسعه به‌شمار می‌آید. تقویت این پایه نیازمند بهره‌گرفتن از امکانات و قابلیت‌های نهادهای بین‌المللی فعال در این عرصه است.

4-4. تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز

توسعه ایران بدون ارتباط با نظام بین‌الملل امکان‌پذیر نیست. راه پیشرفت و افزایش قدرت ایران در این است که برنامه‌ی مشخصی برای ارتباط با قدرت‌های بزرگ، نهادهای بین‌المللی و شرکت‌های بزرگ چندملیتی طراحی شود. دیپلماسی اقتصادی از طریق فراهم کردن زمینه همکاری‌های اقتصادی با دولت‌ها، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، همکاری با سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای و جهانی، می‌تواند باعث حل تعارضات با نظام بین‌الملل، همزیستی مسالمت‌آمیز و تنش‌زدایی با کشورهای دیگر گردد. در یک محیط بی‌ثبات اقتصاد رونق نخواهد گرفت و ضمن این‌که سرمایه‌به‌سستی سوق پیدا می‌کند که امنیت وجود داشته باشد. اگر کمی دقت کنیم کاملاً مشخص است که جریان جهانی سرمایه در مناطقی متمرکز شده که امنیت و آرامش خاطر بلندمدت در آن‌جا حاکم است. از جمله این مناطق می‌توان به منطقه آسیا - پاسفیک، اروپای غربی، آمریکای شمالی، کشورهای مانند چین، تایوان، هنگ‌کنگ، مالزی، ژاپن، کره جنوبی، بخش‌هایی از هند، امارات (دبی و ابوظبی) اشاره کرد. از طریق دیپلماسی اقتصادی و حل‌وفصل تعارضات با کشورهای تأثیرگذار جهانی، می‌توان محیط پیرامونی ایران را باثبات‌تر کرد تا زمینه جذب سرمایه، همکاری اقتصادی، تجارت کالا و خدمات در راستای قدرتمندی ایران هر چه بیشتر فراهم گردد.

به‌طور کلی، سیاست خارجی توسعه‌گرا و دیپلماسی اقتصادی که جوهره‌ای مداراجو و تعاملی دارد بر اصولی استوار است که می‌توان بدین‌ترتیب خلاصه کرد: همزیستی مسالمت‌آمیز، تنش‌زدایی، اعتمادسازی و چندجانبه‌گرایی در سطوح جهانی و منطقه‌ای. پایه‌ریزی سیاست خارجی بر این اصول نه‌تنها دستیابی به اهداف توسعه ملی را مهیا می‌سازد، بلکه برآورنده دیگر اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران نیز می‌باشد. همزیستی مسالمت‌آمیز یک سیاست واقع‌گرایانه بر اساس منطق مفاهمه و احترام دوسویه است. بر اساس این منطق، کشور در عین حفظ هویت، اصول و پیگیری منافع ملی خود، حقوق و منافع کشورهای دیگر را به‌رسمیت شناخته و با پرهیز از مطلق‌انگاری سیاسی تلاش می‌کند هویت خود را نه بر پایه کشمکش با دیگران، بلکه بر مبنای منافع مشترک و همسانی با آن‌ها تعریف نمایند (دهقانی، 1387: 367-366). در این‌باره حسن روحانی بر این باور است که «با دنیا باید با منطق، با استدلال، با در نظر گرفتن منافع ملی و قدم‌به‌قدم مفاهمه کرد. نمی‌توان به یک‌باره گفت که: دنیا، شما نمی‌فهمید و همه بیایید در برابر ما تواضع کنید و سر فرود آورید. با این ادبیات نمی‌توان به‌جایی رسید» (روحانی، 1387: 22). هم‌چنین در جای دیگری حسن روحانی بیان کرده که «دولت تدبیر و امید در راه نجات اقتصاد کشور، احیای اخلاق و تعامل سازنده با جهان با مشی اعتدالی، اهداف ملی را دنبال خواهد کرد» (دوشنبه 27 خرداد 1392. www.president.ir).

4-5. اجماع در سیاست خارجی توسعه‌گرا

یکی از آفات و چالش‌های جدی مسیر پیشرفت ایران، موازی‌کاری در حوزه سیاست خارجی کشور است. به‌طوری‌که علاوه بر وزارت امور خارجه که مسئولیت امور خارجی کشور را بر عهده دارد، نهادهای مختلفی به‌طور مستقل و ناهماهنگ با وزارت خارجه در مسائل مربوط به سیاست خارجی به‌طور غیر کارشناسی موضع‌گیری و اظهارنظر می‌کنند. این مسئله باعث می‌شود که هزینه‌های زیادی به منافع ملی کشور تحمیل گردد. در خصوص حل این معضل، می‌توان در سطح ملی و با هماهنگی همه نهادهای دخیل دولتی و خصوصی و با مدیریت وزارت امور خارجه، فرآیند تصمیم‌گیری در امور سیاست خارجی کشور را سامان داد تا به‌تدریج در سیاست خارجی کشور اجماع ایجاد شود. در صورت شکل‌گیری

اجماع در سیاست خارجی، می‌توان با در پیش گرفتن رویکرد توسعه‌محور، موانع بین‌المللی پیشرفت ایران را دفع و امکانات بین‌المللی را جذب کرد.

در راستای ایجاد اجماع در سیاست خارجی ایران، فرآیند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در دستگاه سیاست خارجی باید به‌صورت دموکراتیک و با در نظر گرفتن منافع بخش خصوصی و با مشارکت نخبگان و صاحب‌نظران این حوزه انجام گیرد. بدون مشارکت متخصصان سیاست خارجی و همراهی بخش خصوصی نمی‌توان دیپلماسی اقتصادی مؤثری در پیش گرفت. بدون دیپلماسی اقتصادی نیز پیشرفت و قدرتمندی ایران امکان‌پذیر نیست. «آمارتیاسن، اقتصاددان برجسته و برنده جایزه نوبل، معتقد است که سیستم‌های بسته بیشتر اشتباه می‌کنند، زیرا در فضایی بسته تصمیم می‌گیرند، جریان آزاد اطلاعات در آن‌ها وجود ندارد، پاسخگویی ضعیف است و از اشتباهات خود نمی‌آموزند. در کارآمد کردن سیستم‌های سیاست خارجی نیز، پایه مهم مباحث نظری، متنوع کردن جریان اطلاعات برای تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی و در معرض مشاوران و اندیشمندان مختلف قرار گرفتن، بوده است» (سریع‌القلم، 1390: 57).

4-6. بهبود تصویر کشور

یکی از مسائلی که سیاست خارجی توسعه‌گرا در سطح بین‌المللی به ارتقای آن کمک می‌کند، بهبود تصویر کشور است. با در پیش گرفتن دیپلماسی اقتصادی، همگرایی هرچه بیشتر با اقتصاد جهانی، افزایش رفت‌وآمدهای تجاری، جذب سرمایه‌های خارجی، حضور شرکت‌های چندملیتی در ایران، جذب توریست، به‌تدریج تصویر کشور در سطح افکار عمومی دنیا از ذهنیت امنیتی به ذهنیت مثبت تغییر خواهد یافت؛ به‌طوری‌که افکار عمومی دنیا ایران را محیط مناسبی برای کسب‌وکار اقتصادی خواهند یافت. ضمن این‌که در نتیجه رشد اقتصادی، همگرایی با اقتصاد جهانی، کاهش فقر، بیکاری، ناهنجاری‌های اجتماعی، شفافیت در مسائل مالی، افزایش رضایت مردم و... چهره جامعه نیز جهت تعامل هر چه بیشتر با دنیا و کسب اعتبار جهانی بهبود خواهد یافت و این مسئله به‌نوبه خود در سیاست خارجی و به‌تبع آن در افزایش قدرت ملی ایران تأثیر مثبتی خواهد گذاشت. باید گفت که «سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است. کشورها در نهایت به فکر مردم خود هستند. به‌میزانی که مردم یک کشور از رفاه، سعادت، آرامش، اخلاق، مدنیت و آینده‌ای روشن‌تر برخوردار باشند، به‌همان میزان در سطح جهانی و منطقه‌ای اعتبار کسب می‌کنند. موفقیت سیاست خارجی یک کشور، در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد سنجش قرار می‌گیرد. مهم‌ترین ابزار آزمایش موفقیت‌های سیاست خارجی در این است که پایگاه اجتماعی داشته باشد» (سریع‌القلم، 1390: 56). مادامی که تصویر مخدوشی از ایران در عرصه بین‌المللی حاکم باشد، پیشبرد توسعه اقتصادی بسیار دشوار است. از وجه ایجابی نیز مشارکت فعال در فعالیت‌های بین‌المللی و ایجاد هماهنگی میان راهبردهای سیاست خارجی و مقتضیات نظام بین‌الملل ضروریست، زیرا اولاً پیشبرد توسعه بدون امکانات بین‌المللی امکان‌پذیر نیست و ثانیاً انزوا در هیچ شرایطی به سود منافع کشور نیست (واعظی و همکاران، 1393: 492). در این راستا حسن روحانی بیان کرده که «عزت ما در سایه سیاست درست و خردورزی است و شعار دادن نمی‌تواند ما را به عزت برساند» (11 مرداد 95 / www.president.ir). بنابراین، بهبود تصور ایران در نزد افکار عمومی جهانی از الزامات پیشرفت ایران و قدرتیابی آن است.

4-7. همگرایی با اقتصاد جهانی

یکی از الزامات توسعه ایران همگرایی با اقتصاد جهانی است. در واقع در عصر جهانی شدن، نمی‌توان یک کشور تأثیرگذار و قدرتمندی را تصور کرد که با اقتصاد جهانی ارتباط تنگاتنگی نداشته باشد. همگرایی با اقتصاد جهانی نیازمند در پیش گرفتن دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی، تقویت بخش خصوصی در اقتصاد کشور و ارتقای استانداردهای ملی برای

هم‌سطح شدن با کشورهای توسعه‌یافته است. از طرفی سامان‌دهی وضعیت اقتصادی کشور در صورتی ممکن است که ارتباط منسجم و قاعده‌مندی با دنیا با هدف اخذ تکنولوژی و جذب سرمایه برقرار شود. «رشد بخش خصوصی در گرو تعامل با اقتصاد جهانی است. تا اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی پیوند نخورد، پیشرفت امکان‌پذیر نیست. هیچ کشوری در دنیا با اتکا صرف به منابع داخلی به توسعه دست‌نیافته است. اقتصاد از قواعد یکسانی تبعیت می‌کند. در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران دیپلماسی اقتصادی ندارد. بهترین سال‌ها برای دیپلماسی اقتصادی ایران بعد از انقلاب، دوره دوم دولت اصلاحات یعنی سال‌های 80 تا 84 بوده است که هم با اتحادیه اروپا مذاکره اقتصادی داشتیم و هم توانستیم عضویت ناظر را در سازمان تجارت جهانی (WTO) به‌دست بیاوریم» (امیدبخش، 94: 19). هم‌چنین باید گفت که در شرایط تحریم و انزوای جهانی نمی‌توان دیپلماسی اقتصادی دنبال کرد. چین بزرگ‌ترین دستاوردش این بود که توانست با اقتصاد جهانی پیوند بخورد. کالاهایی با ارزش افزوده بالا، صادرات خودرو، صادرات کامپیوتر و نرم‌افزار توسعه می‌آورد. صادرات پسته، نفت، فرش و خشکبار توسعه نمی‌آورد. امروزه چرخش جهانی شدن به‌گونه‌ای نیست که مرزهای سیاسی برای اقتصاد تعیین تکلیف کند. تحولی که منجر به دیپلماسی اقتصادی می‌شود زمانی است که اقتصاد بر سیاست مقدم شود و اقتصاد لوکوموتیو باشد (امیدبخش، 94: 25-23).

بنابراین، در راستای همگرایی با اقتصاد جهانی و قدرتمندی ایران، لازم است که رویکرد توسعه‌ای، محور سیاست خارجی ایران باشد. با اتخاذ رویکرد اقتصادی، برخی اصلاحات اقتصادی باید انجام شود که از مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

- تمرکز فرآیند خط‌مشی‌گذاری تجاری با رویکرد توسعه صادرات،
- توجه به جایگاه کشور در تقسیم کار جهانی و شناسایی مزیت‌های نسبی ملی در تولید کالاها و خدمات،
- حداقل نمودن دخالت دولت در تنظیم قیمت‌ها و توجه به سازکار عرضه و تقاضا،
- حذف تدریجی موانع تعرفه‌ای،
- پیگیری جدی مذاکرات پیوستن به سازمان تجارت جهانی (WTO)،
- برنامه‌ریزی برای خصوصی‌سازی رقابتی در مورد همه صنایع دولتی که محصولات غیرضروری تولید می‌کنند؛ نظیر خودروسازی، پتروشیمی، صنایع معدنی، بانکی، بیمه‌ای و...
- تخصیص تسهیلات و سرمایه‌گذاری در صنایعی که اولاً دولتی نیستند و ثانیاً پتانسیل صادراتی دارند. نظیر صنایع تولید و فراوری در بخش کشاورزی، فرش، خدمات فنی و مهندسی، پتروشیمی،
- آزادسازی اقتصاد در ابعاد گوناگون تجاری، مالی، ارزی و سرمایه‌ای در میان‌مدت و بلندمدت،
- کاهش سهم تولید دولتی در GDP با کاهش هزینه‌های دولت در مواردی نظیر واگذاری شرکت‌های دولتی به‌صورت رقابتی،
- جلب سرمایه‌گذاری (مستقیم) خارجی با ارائه تسهیلات ارزشمند، نظیر حق مالکیت زمین، جابه‌جایی آزادانه اصل و فرع سرمایه و پرهیز از نگاه امنیتی به سرمایه‌گذار خارجی،
- پذیرش رویه‌ها و استانداردهای بین‌المللی و جهانی و سازمان تجارت جهانی در تنظیم خط‌مشی‌ها، قوانین و مقررات بانکی و بیمه‌ای،
- فراهم نمودن زمینه‌های ظهور صنایع بخش غیردولتی در بازارهای جهانی از طریق سازکارهای دیپلماتیک و الزام وزارت خارجه و سایر سازمان‌های مرتبط در همکاری همه‌جانبه با بخش خصوصی (مولانژاد و همکاران، 1389:76).

8-4. استفاده از موقعیت ژئواستراتژیکی، ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منحصر به فرد

موقعیت جغرافیایی ایران به‌گونه‌ای است که از ناحیه غرب و شمال غرب با ترکیه، آذربایجان، ارمنستان، عراق، از طرف جنوب به خلیج فارس و کشورهای عربی و مسلمان حاشیه خلیج فارس، از طرف شرق و شمال شرق با کشورهای پاکستان، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان همسایه است که این وضعیت ایران را به قدرت بالقوه بین‌المللی در منطقه و جهان تبدیل کرده است. براساس مطالعات تاریخی، این موقعیت ویژه اگر درست مدیریت نشود در مواقعی می‌تواند نه تنها فرصت نباشد بلکه تهدید نیز محسوب شود. اما در صورت برنامه‌ریزی و مدیریت درست قطعاً یک فرصت منحصر به فرد خواهد بود. تصمیم‌گیران حوزه سیاست خارجی، می‌توانند با محوریت قرار دادن دیپلماسی اقتصادی بستر لازم برای بهره‌برداری از این موقعیت ویژه را فراهم آورند.

موقعیت ژئوپلیتیکی، منابع نفت و گاز و مهم‌تر از این دو متغیر، روحیه جهانی و جهان‌مداری مردم ایران، متمایل به تعامل جهانی است. در مجموعه MENA (منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا) ایران منحصرأً تنها کشوری است که در سطح داخلی خود تمامی بنیان‌های انسانی، محیطی، سرزمینی، جغرافیایی و منابع طبیعی را برای قدرتمند شدن و تولید داراست و پتانسیل عظیمی در آن وجود دارد که به کشور صاحب نفوذ مالی و اقتصادی و در نتیجه سیاسی و فرهنگی تبدیل شود (سریع‌القول، 1390: 69). اما این مسئله بستگی به نگرش نخبگان و اهمیت توسعه از منظر آن‌ها دارد. هم‌چنین هدف رویکرد ژئواکونومیکی مناطق برای دولت‌ها، رسیدن به قدرت اقتصادی است. توسعه اقتصادی ارتباط تنگاتنگی با قدرت دارد. رویکرد ژئواکونومیکی از ترکیب سه عامل جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است و به بررسی روابط این سه و تعامل آن‌ها به منظور کسب قدرت دولت‌ها می‌پردازد (مرتضوی؛ علی کرمی، 1393: 670). رویکرد دیپلماسی اقتصادی می‌تواند بستر مناسبی را برای استفاده بهینه از ظرفیت ژئواکونومیکی منحصر به فرد ایران در مسیر توسعه این کشور فراهم آورد.

4-4. گسترش تجارت و توسعه صادرات

یکی از اهداف و راهبردهای سیاست خارجی توسعه‌گرا، گسترش تجارت و توسعه صادرات است. در راستای قدرتمندی ایران، ضمن کاهش وابستگی به انرژی نفت و گاز، حجم تجارت خارجی نیز باید افزایش چشمگیری یابد و صادرات کشور در یک محیط رقابتی افزایش پیدا کند. سیاست خارجی توسعه‌گرا و دیپلماسی اقتصادی می‌تواند این مسیر را هموارتر کند. «در گذشته سیاست و امنیت در بالای فهرست عناصر درونی مؤثر بر رفتار سیاست خارجی بود، اما امروزه اقتصاد و فرهنگ دو عنصر کلیدی در هدف‌گذاری سیاست خارجی کشورها می‌باشند. سیاست خارجی توسعه‌گرا سیاستی است که اهداف اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی کشور را که در قالب برنامه توسعه ترسیم می‌گردد، در بعد خارجی و در دو بستر جهانی و بین‌المللی (بده-بستان با دولت‌های دیگر) طراحی و پیگیری می‌نماید (موسوی، 1387: 415).

امروز تعامل با اقتصاد جهانی نسبت به دو دهه پیش شکل جدیدی به‌خود گرفته است. سرمایه‌گذاری و تجارت در عرصه بین‌المللی به هم گره خورده‌اند و چارچوبی متکامل نسبت به استراتژی توسعه صادرات را ایجاد کرده‌اند. نگاه‌های تولید کننده کشورهای در حال توسعه، در سایه سیاست خارجی مناسب و محیط اقتصادی-حقوقی مشوق اتخاذ شده از جانب دولت‌هایشان، از فرصت‌هایی به مراتب بیش از دو دهه پیش برخوردارند. کشورهای رشد اقتصادی دارد که سیاست خارجی برون‌گرا در پیش گرفته‌اند (نیلی، 1394). هم‌چنین مفهوم رقابت‌پذیری از کلیدی‌ترین مفاهیم عرصه اقتصاد بین‌الملل و دیپلماسی اقتصادی است. مجمع جهانی اقتصاد سطح رقابت‌پذیری کشورها را منعکس کننده توان آن‌ها در

تأمین و افزایش رفاه برای اتباع خود می‌داند. اقتصادهایی که رقابت‌پذیر هستند، سطح بالاتری از درآمد را برای شهروندان خود ایجاد می‌کنند (دهقانی؛ صالحی، 91: 95).

4-10. جذب سرمایه‌های خارجی

دو هدف عمده برای سیاست خارجی توسعه‌گرا می‌توان در نظر گرفت: یکی دفع موانع و تحریم‌های بین‌المللی است و دیگری جذب فرصت‌ها، امکانات و سرمایه‌های بین‌المللی. بدون جذب سرمایه و تکنولوژی خارجی نمی‌توان پیشرفت کرد. اساساً پیشرفت و توسعه در شرایط انزوا بی‌معنی است. اگر ما بخواهیم برای جمعیت جوان کار ایجاد کنیم، راهی جز جذب سرمایه نداریم (نهایوندیان، 1387: 31). جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌عنوان یک بخش جدایی‌ناپذیر سیستم اقتصاد بین‌المللی باز و مؤثر و کارآمد است و یک عامل مهم در دستیابی به توسعه محسوب می‌شود. کشورهای در حال پیشرفت، اقتصادهای در حال ظهور و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذر تلاش نموده‌اند تا به‌طور افزایشی و خیلی وسیع از طریق دیپلماسی اقتصادی کارآمد، سرمایه‌های خارجی را در کشور خود جذب نمایند. چرا که این می‌تواند به‌عنوان یک منبع و موتور رشد و مدرنیزه کردن فضای اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد (دهقانی؛ صالحی، 91: 91).

هم‌چنین ایجاد و توسعه بازارهای بین‌المللی سرمایه و انرژی از مهم‌ترین پیش‌زمینه‌های پیشرفت دیپلماسی اقتصادی کشور و تعالی روابط سیاسی، اقتصادی و مالی در سطح منطقه و جهان است. در این راستا، سه عامل در تعیین محل موردنظر برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نقش اساسی دارند: 1) سیاست‌های کشور میزبان، 2) حمایت فعال کشورها به منظور توسعه و تسهیل سرمایه‌گذاری، 3) ویژگی‌های اقتصادی کشور میزبان (گزارش فرابورس، 92: 5-3). با توجه به این مسائل می‌توان گفت که بدون ایجاد بستر و شرایط مناسب و اثبات برای جذب سرمایه‌ی خارجی و بهبود محیط کسب کار در ایران نمی‌توان انتظار داشت که جریان مالی جهانی به‌سوی ایران سرازیر شود. در تأیید این مسئله دکتر سریع‌القلم براساس تجارب خود از اجلاس‌های سالیانه داوس می‌گوید: «آنچه از داوس متوجه شدم این بود که [نمایندگان] کشورها می‌گفتند ساختار عمرانی و نه سیاسی ایران، بروکراسی، سیستم بانکی و گمرکی آمادگی سرمایه‌گذاری به‌صورت گسترده را ندارد» (سریع‌القلم، 1394: مصاحبه با روزنامه شرق). در این زمینه، برخی از موانع درونی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران عبارت است از: ریسک سرمایه‌گذاری در شرایط عدم ثبات، موانع و محدودیت‌های قانونی و حقوقی در برابر سرمایه‌گذار خارجی، مقررات و بروکراسی اداری پیچیده، توسعه ناکافی بازار مالی به‌علت محوریت نظام بانکی. هم‌چنین برخی از مهم‌ترین موانع بیرونی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران شامل این موارد است: انفعال دیپلماسی اقتصادی، تحریم‌ها و جریمه‌های تنبیهی برای سرمایه‌گذاری در ایران، کمبود ارتباط مؤثر با فعالان اقتصادی خارجی، فقدان بانک داده‌ای به روز و عدم شفافیت اطلاعاتی برای تصمیم‌سازی در خصوص سرمایه‌گذاری مستقیم، عدم شناخت سرمایه‌گذاران خارجی از موقعیت‌های سرمایه‌گذاری در ایران، عدم آگاهی از شرایط سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه ایران به‌عنوان یکی از سودآورترین‌ها در جهان، عدم شناخت صحیح از شرایط فرهنگی، گردشگری، تجاری و اقتصادی ایران (گزارش فرابورس، 92: 7). با توجه به این مشکلات، باید گفت که از حیاتی‌ترین اقداماتی که لازم است در دستور کار دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی توسعه کشور قرار گیرد، توجه ویژه به دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی با هدف جذب سرمایه و تکنولوژی پیشرفته است.

4-11. به‌کارگیری دیپلماسی انرژی

تضمین امنیت انرژی و حضور در بازارهای جهانی نفت و گاز یکی از ضرورت‌های مسیر پیشرفت ایران است. این مهم در صورتی اتفاق می‌افتد که در سیاست خارجی ایران توجه ویژه‌ای به دیپلماسی انرژی صورت گیرد. «دیپلماسی انرژی

به معنای آن است که بتوان زمینه‌های لازم برای عبور از محدودیت‌های تکنولوژیک، بازاریابی، استخراج، اکتشاف و سرمایه‌گذاری را فراهم نمود. بی‌توجهی به نشانه‌های تعامل‌گرایی در اقتصاد جهانی، مانع از گسترش چندجانبه‌گرایی و همچنین تثبیت واقعی وابستگی متقابل در اقتصاد جهانی می‌شود. اتخاذ دیپلماسی انرژی صحیح، همان قدر می‌تواند به ارتقای جایگاه ملی و بین‌المللی ایران و حضور فعال آن در عرصه جهانی بیانجامد که کم توجهی به آن می‌تواند بازماندگی از مسیر توسعه و قدرت‌یابی را به همراه داشته باشد. از این رو شناخت تغییرات و جهت‌گیری‌های دیپلماسی انرژی قدرت‌های تأثیرگذار همچون آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و چین برای تدوین دیپلماسی انرژی صحیح از سوی ایران ضروری است» (متقی، 1393: 16). دیپلماسی انرژی زمانی از اهمیت و کارآمدی برخوردار است که زمینه‌های لازم برای چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای وجود داشته باشد. چنین الگویی می‌تواند زمینه‌های لازم برای تحقق وابستگی متقابل پیچیده بین ایران و اقتصاد جهانی را فراهم آورد. بخشی از ضرورت دیپلماسی انرژی ناشی از وابستگی متقابل است که میان ایران و مصرف‌کنندگان عمده انرژی حاکم است (Mayers, 2004: 239). از جمله اهدافی که در دیپلماسی انرژی می‌تواند مدنظر باشد عبارت است از:

- تلاش در جهت احراز جایگاه شایسته در بازار انرژی با توجه به شرایط رقابتی بازار انرژی در اقتصاد جهان،
- ثبت تحولات مربوط به بازار انرژی از طریق بررسی مداوم بازار انرژی و سیاست‌های تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان،
- تلاش در جهت جذب بازار مصرف‌کنندگان انرژی که در حال ورود به دایره قدرت‌های بزرگ اقتصادی هستند؛ مثل هند، چین و برزیل،
- افزایش و تقویت همکاری با دیگر تولیدکنندگان انرژی منطقه‌ای (متقی، 1393: 17).

به‌طور کلی باید گفت که ایران برای قدرتمند شدن هرچه بیشتر لازم است که بر روی انرژی خود مانور بدهد. دیپلماسی انرژی در این راستا می‌تواند موجب تسهیل ورود سرمایه به حوزه نفت و گاز کشور شود و هم‌چنین بازارهای جهانی مناسبی برای فرآورده‌های نفت و گاز ایران بیابد. خصوصاً این که بعد از برجام و برداشته شدن تحریم‌های بین‌المللی زمینه برای صنعت نفت و گاز ایران فراهم گشته است.

12-4. همکاری با کشورهای توسعه‌یافته؛ با رویکرد چندجانبه‌گرایی

یکی دیگر از پیش‌شرط‌هایی که در افزایش قدرت ایران در عصر جهانی شدن باید به آن توجه شود، در پیش گرفتن رویکرد چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی، همکاری نزدیک با کشورهای توسعه‌یافته و تبدیل تعارض به اختلاف در روابط با ابرقدرت‌ها است. در این زمینه، پیگیری دیپلماسی اقتصادی می‌تواند بسیار مفید واقع شود. چرا که قدرت‌هایی مثل آمریکا، اتحادیه اروپا، آلمان، انگلیس، فرانسه، چین، ژاپن، روسیه نگاه اخلاقی و انسان‌دوستانه به مسائل بین‌المللی ندارند. بلکه از آن‌جا که ماهیت این کشورها و نظام سیاسی آن‌ها سرمایه‌داری هست، بنابراین در روابط بین‌الملل با منطق هزینه-فایده و تأمین منافع ملی خود تصمیم‌گیری می‌کنند. بر این اساس، ایران در مسیر توسعه خود می‌تواند با حفظ هویت خود و با در پیش گرفتن دیپلماسی اقتصادی و با توجه به قواعد بازی روابط بین‌الملل، همکاری‌های منطقی و مسالمت‌آمیزی با کشورهای توسعه‌یافته داشته باشد. بدون ارتباط با قدرت‌های بزرگ و حل تعارضات با آن‌ها، تبدیل شدن به کشور قدرتمند در عرصه جهانی مقدور نیست. چرا که تعارض و دشمنی با ابرقدرت‌های بسیار سنگینی به منافع و امنیت ملی تحمیل می‌کند.

13-4. نفوذ در کشورهای در حال توسعه

نفوذ در جهان سوم و کشورهای در حال توسعه نیز یکی از راهبردهایی است که در راستای توسعه ایران نیازمند توجه ویژه است. امروزه کشورهای توسعه یافته در تسخیر بازار جهان سوم و استفاده از ظرفیت آن‌ها در قدرتمندی هرچه بیشتر خود رقابت سرسختانه‌ای دارند. چین نمونه بارزی از این کشورهاست که با اعطای وام و سرمایه‌گذاری، نفوذ زیادی در جهان سوم دارد. با توجه به دغدغه‌ها و مسائلی که کشورهای در حال توسعه با آن دست به گریبان هستند، دیپلماسی اقتصادی مناسب‌ترین رویکرد برای نفوذ در این کشورهاست. کشورهای در حال توسعه از جهت مواد اولیه ارزان، بازار مصرف گسترده، تجارت، سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی، آرا و وزن سیاسی در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای، کسب پرستیژ بین‌المللی و... برای قدرت نوظهوری مثل ایران فرصت ویژه‌ای محسوب می‌شوند.

14-4. همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

استفاده از ظرفیت نهادهای بین‌المللی نیز یکی از راهبردهایی است که در افزایش قدرت ملی هر کشوری تأثیرگذار است. هیچ کشورهای توسعه یافته‌ای بدون توجه به نهادها و سازمان‌های بین‌المللی نمی‌تواند به توسعه دست یابد. بر اساس نظریات لیبرالیسی در روابط بین‌الملل، امروزه سازمان‌های بین‌المللی پایه‌ی دولت‌ها در معادلات جهانی نقش ایفا می‌کنند. براساس تجربه جهانی، با به‌کارگیری رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی ایران، زمینه برای همکاری با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان تجارت جهانی (WTO)، اگو، دی - 8، اتحادیه اقیانوس هند، سازمان کنفرانس اسلامی، جنبش عدم تعهد، آ.سه.آن، شانگهای و نهادهای غیردولتی و خصوصی مهیا می‌شود. با این‌که سازمان تجارت جهانی 163 عضو دارد، متأسفانه ایران جزو معدود کشورهایی است که هنوز عضو این سازمان نیست. تأخیر در عضویت در این سازمان لطمات جبران‌ناپذیری به اقتصاد کشور وارد می‌کند. با توجه به مفروضات رویکرد دیپلماسی اقتصادی، هدف از همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی، نهادینه کردن نگرش اقتصادی در همکاری‌ها و حداکثرسازی منافع تجاری کشور، کاهش تعرفه‌ها، حذف موانع غیرتعرفه‌ای در راستای افزایش قدرت ملی ایران است.

در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی سیاست خارجی ایران با هدف تعامل سازنده با جهان به سازمان‌های بین‌المللی توجه ویژه‌ای کرد. زمینه‌ی همکاری ایران با سازمان‌های بین‌المللی بعد از توافق هسته‌ای با 1+5 همانند دوره اصلاحات مجدداً فراهم شد. خیلی از کشورها به‌خصوص کشورهای اروپایی از رویکرد جدید ایران استقبال کردند. فدریکا موگرنی، با صدور بیانیه‌ای از الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان جهانی تجارت حمایت کرد. بیانیه حمایتی اتحادیه اروپا برای الحاق ایران در سازمان جهانی تجارت، در حالی صادر می‌شود که ایران از حدود 20 سال پیش متقاضی عضویت در این سازمان بوده و اتحادیه اروپا نیز اغلب از همراهان آمریکا در مخالفت صریح با این عضویت بوده است (تیرماه 1395/ www.irna.ir).

15-4. باثبات‌سازی محیط پیرامون ایران

بر اساس نظریات لیبرالیستی اقتصاد سیاسی بین‌الملل، جریان جهانی سرمایه به محیطی سوق پیدا می‌کند که به‌لحاظ امنیتی افق روشنی در پیش داشته باشد و هم‌چنین فضای کسب و کار اقتصادی در آن شفاف و مهیا باشد. در راستای توسعه ایران ضرورت دارد که محیط پیرامون این کشور ثبات کافی برای سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی داشته باشد. این مسئله در صورتی ممکن است که سیستم امنیت جمعی با مشارکت کشورهای همجوار در منطقه حاکم گردد. ضمن این‌که توان نظامی کشور نیز با توجه به موقعیت خاص ایران، بدون ایجاد تنش و نگرانی در منطقه تقویت گردد.

«کشوری که پیشبرد توسعه را گزینه استراتژیک خود قرار دهد، نیازمند محیط امنیتی باثبات است. زیرا بین ثبات و امکان پیشبرد توسعه رابطه مستقیم و تنگاتنگی وجود دارد. از این رو یکی از الزامات پر اهمیت سیاست خارجی، ثبات‌سازی در محیط امنیتی ایران است. اولین و مهم‌ترین مؤلفه چنین راهبردی، مشارکت و ایفای نقشی مؤثر و سازنده در شکل‌گیری ترتیبات امنیتی منطقه‌ای با کشورهای همسایه از طریق توافقات دوجانبه و چندجانبه است» (واعظی و همکاران، 93: 293).

نتیجه‌گیری

در توسعه و پیشرفت هر کشوری، نقش سیاست خارجی آن کشور و رویکردهایی که در عرصه‌ی بین‌المللی اتخاذ می‌کند، بسیار حائز اهمیت است. براساس تجارب جهانی، توسعه‌ی هیچ کشوری بدون در پیش گرفتن سیاست خارجی توسعه‌گرا امکان‌پذیر نیست. وضعیت ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. ایران در صورتی در مسیر توسعه گام خواهد برداشت که علاوه بر ساماندهی وضعیت داخلی کشور (از لحاظ الزامات داخلی توسعه)، باید رویکرد سیاست خارجی خود را نیز با این هدف همسو کند. نمی‌توان در شرایط انزوای بین‌المللی به توسعه دست یافت. توسعه ایران نیازمند اجماع در تصمیم‌گیری، همکاری مسالمت‌آمیز با دنیا، همگرایی با اقتصاد جهانی، کاهش تنش‌ها به‌خصوص در محیط پیرامونی، دفع محدودیت‌های بین‌المللی، جذب امکانات بین‌المللی، کسب پرستیژ جهانی، وجود قوانین شفاف مالی و بانکی، اخذ آخرین دستاورهای علمی و تکنولوژیکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تقویت زیرساخت‌های کشور ... است. بنابراین دستگاه سیاست خارجی باید در راستای تحقق این الزامات، رویکرد توسعه‌محور در عرصه جهانی داشته باشد. برخی اقدامات اساسی و سیاست‌هایی که تصمیم‌گیران کشور باید در روند توسعه ایران و قدرتمندی این کشور در پیش بگیرند به شرح زیر است:

- درک و شناخت ساختارهای جدید قدرت در نظام بین‌الملل (اعم از ساختار دانش، ساختار تولید، ساختار امنیت، ساختار مالی) به‌منظور بهره‌گیری از آن‌ها در راستای توسعه ایران،
- شناسایی ظرفیت‌های بالقوه ایران در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اقلیمی، ژئوپلیتیکی، گردشگری، علمی، فناوری، فضای سایبری،
- شناسایی قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه کشور در حوزه علم و فناوری با هدف ایفای نقش پیشگام علمی در منطقه
- ارائه راه‌کارهای بدیل برای فعال کردن ظرفیت‌های بالقوه کشور در راستای قدرتمندی ایران،
- استفاده از ظرفیت‌های ملی و بین‌المللی در جهت کارآمدی هر چه بیشتر سیاست خارجی ایران در دستیابی به ساختارهای جدید قدرت در نظام بین‌الملل و چگونگی به کارگیری آن‌ها،
- شناسایی منابع و امکانات بین‌المللی در حوزه‌های جریان‌های مالی، تولیدی، علمی، فناوری، سیاسی - امنیتی با هدف بهره‌مندی از آن‌ها در راستای توسعه ایران،
- درک مبتنی بر واقعیت از روند جهانی شدن و تاثیر آن بر مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی، دفاعی و اقلیمی ایران،
- شناخت تحولات علمی و فناوری روز که بر حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی، دفاعی و اقلیمی ایران تاثیرگذار است،
- امکان‌سنجی راه‌های مشارکت فعالانه ایران در رژیم‌ها و نهادهای بین‌المللی و چگونگی استفاده از ظرفیت آن‌ها در توسعه کشور،

- شناسایی تهدیدات کشور در حوزه اقتصادی شامل تداوم تحریم، نقش حاشیه‌ای ایران در تقسیم کار بین‌المللی، بی‌ثباتی اقتصادی، توزیع نامتعادل درآمدها، ساختار سنتی تولید و تجارت و راه‌کارهای رفع آن‌ها،
- شناسایی تهدیدات کشور در حوزه سیاسی همانند منزوی شدن ایران و ارائه راهکارهای برون رفت از آن،
- راهکارهای ارتقای جایگاه ایران در نوآوری‌های علمی،
- راهکارهای جذب سرمایه‌گذاری خارجی با هدف انتقال دانش و فناوری پیشرفته خارجی به کشور،
- راهکارهای استفاده از منابع هیدروکربنی در کشور و در منطقه در راستای توسعه ایران،
- شناسایی زیرساخت‌های فیزیکی مؤثر برای رشد و توسعه اقتصادی در کشور،
- استفاده از اشتراکات و ظرفیت‌های فرهنگی، قومی، زبانی، دینی و مذهبی ایران و کشورهای همسایه و منطقه با هدف توسعه ایران،
- امکان‌سنجی ایجاد امنیت پایدار در کشور به عنوان یکی از اصلی‌ترین پیش‌شرط‌های توسعه اقتصادی ایران،
- چگونگی استفاده از موقعیت جغرافیایی شرق - غرب و شمال - جنوب منطقه (جاده ابریشم، دسترسی به آب‌های جنوب) در توسعه ایران،
- شناسایی شبکه‌های ارتباطی و حمل‌ونقلی جنوب، شمال، غرب و شرق کشور و نقش آن در همگرایی منطقه‌ای.



1. امیدبخش، اسفندیار (1394)، نفت، پسته و فرش توسعه نمی‌آورد، **نشریه دیپلماسی انرژی**، سال اول، شماره سوم.
2. افخمی راد، ولی الله (13 دی ماه 94)، خبرگزاری مهر: 13 دی ماه 94. www.president.ir
3. بیانات رئیس جمهور حسن روحانی، دوشنبه 27 خرداد 1392.
4. بیانیه خانم فدریکا مورگنی (تیرماه 1395)، www3.irna.ir/fa/News/82170070.
5. خلیلی، عبدالرسول، روزنامه شرق، شماره 2433 به تاریخ 94/8/6، صفحه 15.
6. دهقانی فیروزآبادی، جلال و صالحی، مختار (1391)، دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران؛ زمینه‌ها و چالش‌ها، **فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران**، سال هفدهم، شماره 52، صص 114-73.
7. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (1387)، **ضرورت‌ها و کارکرد دیپلماسی در سیاست خارجی توسعه‌گرا**، کتاب سیاست خارجی توسعه‌گرا، مرکز تحقیقات استراتژیک، صص 380-362.
8. گزارش فراپورس (1392)، دیپلماسی اقتصادی؛ چالش‌ها و راهکارهای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، <http://www.ifb.ir>
9. رنایی، محسن (1395)، **همایش «افزایش مقاومت، تنوع تولید»** در دانشگاه شهید بهشتی، تابستان.
10. روحانی، حسن (1387)، **آیا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مسیر چشم‌انداز بیست‌ساله است؟**، کتاب سیاست خارجی توسعه‌گرا، مرکز تحقیقات استراتژیک، صص 25-15.
11. سریع‌القلم، محمود (1390)، مفهوم قدرت و عملکرد سیاست خارجی؛ مقایسه چین و ایران، **فصلنامه روابط خارجی**، سال سوم، شماره اول، صص 74-49.
12. سریع‌القلم، محمود (1395)، **مبنای قدرت ملی اقتصاد است**، پیش‌بینی اقتصاد ایران در آینده، سخنرانی در سومین سمینار پیش‌بینی اقتصاد ایران در سال 95، مؤسسه بامداد، www.baharnews.ir/news/100743.
13. سریع‌القلم (1394)، مصاحبه با روزنامه شرق
14. متقی، ابراهیم (1393)، دیپلماسی انرژی ایران، الگوها و روندها، موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، www.energydiplomacy.iies.ac.ir
15. مرتضوی، خدایار؛ علی‌کریمی، فریبا (1393)، ژئواکونومی خاورمیانه و جهانی شدن اقتصاد، **فصلنامه سیاست**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره 44، شماره 3، صص 686-665.
16. موثقی، احمد (1387)، توسعه و سیاست خارجی توسعه‌گرا، کتاب **سیاست خارجی توسعه‌گرا**، مرکز تحقیقات استراتژیک، صص 214-182.
17. موسوی موحدی، علی اکبر؛ کیانی بختیاری، ابوالفضل (1390)، دیپلماسی علمی و فناوری، **نشریه نشاء علم**، سال دوم، شماره دوم، خرداد 91، صص 76-71.
18. مولانژاد، محمود؛ نداف، مهدی؛ موسی زاده، بهروز (1389)، تبیین رفتار نیروهای جهانی شدن بر سیاست‌گذاری بازرگانی خارجی ایران، **مطالعات مدیریت راهبردی**، شماره 3، صص 88-69.

19. موسوی، محمدعلی (1387)، جهانی شدن و ضروری‌ترین الزام سیاست خارجی توسعه‌گرا، **کتاب سیاست خارجی توسعه‌گرا**، مرکز تحقیقات استراتژیک، صص 436-411.
20. نیلی، مسعود (1394)، میزگرد در خصوص توسعه و دموکراسی، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، لینک مطلب <http://www.cgie.org.ir/fa/news/71413>
21. نیاوندیان، محمد (1387)، سیاست خارجی توسعه‌گرا در بستر جهانی شدن، **کتاب سیاست خارجی توسعه‌گرا**، مرکز تحقیقات استراتژیک، صص 34-27.
22. واعظی، محمود (1387)، راهبرد تعامل سازنده و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا، در مجموعه مقالات **سیاست خارجی توسعه‌گرا** (نسخه چاپ اول)، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام.

(ب) لاتین

- 1- Alan, Salehzadeh (2013), Iran's Domestic and Foreign Policies, Strategian Iaitos, National Defence University, **Department of Strategic and Defence Studies**, Series 4: Working Papers No 49. P 2.
- 2- Economic Planning Unit Malaysia (May 2006), "Malaysia's Economic Development with Emphasis on Public-private Collaboration". Ernest Satow, Lord Gore Booth (Ed), **Satow's Guide to Diplomatic Practice**, Longman, 1979, pp.3.
- 3- Hwa Soo Park (2011), "Economic Development Strategies in Korea and lessons for Developing Countries", **KOICA**, Bolivia.
- 4- IMF, world Economic outlook Database 2012.
- 5- Inchul Kim (April 2010), "Korea's Capitalistic Planning Model: Policy lessons for Mongolia", **The Journal of Korean Economy**, Vol. 11, No. 1, 177-194.
- 6- Mayers Amy Jaffe (2004), "The Growing Developing Countries Appetite for Oil and Natural Gas", **Economic Perspective**, May.
- 7- Mohamed Ariff (1998), "The Malaysian Economic Experience and its Relevance the OIC member Countries", **Islamic Economic Studies**, Vol. 1, No. 1.
- 8- Raymond Sander & Lichia Yiu D (2001), *iscussion Papers in Diplomacy*, Birgit Leiteritz, p. 2.
- 9- Rodger Shanahan (2015), Iranian foreign policy under Rouhani, **Lowy Institute**, February 2015, p. 2-3
- 10- 9th Development plan (2007-2013), T. R. Prime Ministry, State Planning Organization.



پښتونستان د علومو انساني او مطالعاتو فرانسې
پرتال جامع علوم انساني